

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



پنجاه و سه سال از آن شامگاهی که «زنگ خون به صدا درآمد و توفان شکوفه داد» می گذرد. در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ خورشیدی یک گروه کوچک انقلابی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل (در استان گیلان) حمله کرد و با این عمل جسورانه و بن بست شکنانه خود سپهر سیاسی ایران زمین را دگرگون کرده و برگ زرینی به تاریخ جنبش کمونیستی ایران افزود. با رستاخیز سیاهکل، جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.

پیکارگران گروه جنگل با عمل انقلابی خود بر دیوار ستبر اختناق ضربه ای تاریخ ساز وارد کردند، «قدرت مطلق» دیکتاتوری شاه را به چالش کشیده و راه غلبه بر «ضعف مطلق» توده ها را به آنان نشان دادند. حماسه سیاهکل از این جهت یک لحظه تاریخی است که شاکله دیکتاتوری شاه را به لرزه درآورد و آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید داد. دیری نپایید که برجسته ترین، انقلابی ترین و صادق ترین زنان و مردان ایران زمین که در اندیشه رهایی بودند و قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، در سراسر فلات آفتاب و باد به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و جنبش مسلحانه انقلابی پیوستند.

رستاخیز سیاهکل گرچه یک عمل نظامی کوچک به حساب می آید، اما آن چنان گُنش کلان سیاسی بود که هنوز هم پیرامون رمز و راز آن می نویسند و می گویند و اکنون که ما در دوران انقلابی کنونی سپهر سیاسی ایران را رصد می کنیم، درمی یابیم که رفقای گروه جنگل نه شماری انقلابی بی تکرار، که آنان با «آفتابکاران جنگل» در قیامهای سالهای اخیر و به ویژه در «انقلاب ژینا» تکثیر شدند. «قیام برای رهایی» که بر پرچم سرخ رزمندگان سیاهکل نگاشته شده بود، در شورشها و قیامهای سالهای اخیر در هر کوی و برزن دیده و شنیده می شود و این رشد کم نظیر آگاهی و روحیه انقلابی زنان و مردان و فداکاریهای اقشار مختلف جای بسی افتخار و خرسندی برای ما دارد.

بیهوده نیست که نظریه پردازان فرومایه استبداد دینی بیش از قلم بمزدان دیکتاتوری سلطنتی به حماسه سیاهکل می تازند. گزافه گویان دست پرورده خمینی از درون مایه فکری و آموزه های عملی جنبش پیشتاز فدایی که در دوران حکومت ننگین جمهوری اسلامی بارها خود را در خیزشها و رویشها و قیامهای توده ای نشان داد، می ترسند. رژیم شاه در واکنش به حماسه سیاهکل، به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، محمد هادی فاضلی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

واکنش شاه و خمینی به جنبشی که با حماسه سیاهکل آغاز شد، نشان دهنده اهمیت و نقش این رویداد در سپهر سیاسی ایران زمین است. این واقعیت را می توان از سخنان محمد رضا شاه و روح الله خمینی که ما همه ساله آن را برای یادآوری منتشر می کنیم، به خوبی دریافت.

اسدالله عَلم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل..» موضع خمینی آن چنان شاه پسند و فصاحت بار بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

هموطنان، زنان و مردان آزادیخواه

نزدیک به هفده ماه از یک روز تاریخی دیگر می گذرد، دیگر روزی که بازهم زنگ خون به صدا درآمد و توفان شکوفه داد. روز آدینه ۲۵ شهریور سال پیش، قتل حکومتی جاوید نام ژینا مهسا امینی پوشش خبری پیدا کرد. دو روز پیشتر تصویر ژینا روی تخت بیمارستان و درحالی که به گما رفته بود در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و به دنبال اعلام جانباختن او، موجی از خشم و نفرت جامعه را فراگرفت. شامگاه آن روز جرقه قیام در برابر بیمارستان کسری زده شد و حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به مردم خشمگین، آتش قیام را شعله ور کرد. شرح رویدادهای انقلاب ژینا در ماههای پس از شهریور را سال پیش گزارش کردیم.

کارگزاران حکومت پس از سرکوبهای ددمنشانه ادعا کردند که خیزش انقلابی را «جمع» کرده اند. اما واقعیت این است که باوجود دست زدن به کشتار مردم بی دفاع و بازداشتهای چندین ده هزار نفره که به مهار نسبی حرکت‌های خیابانی منجر شد، جنبش انقلابی همچنان ادامه دارد و سرسختانه از دستاوردهای خود دفاع می کند. صف آراییی جامعه در برابر حاکمیت پس از شهریور سال پیش دچار تحولی کیفی گردیده که در بالاترین مدار آن جنبش زنان علیه حجاب اجباری قرار دارد. مبارزه زنان، بوروکراسی دولتی و دستگاه‌های سرکوب رژیم را به زانو درآورده و درمانده کرده است و نشان می دهد نه فقط شرایط و بحران انقلابی فروکش نکرده بلکه در وضعیت انفجاری جامعه به شکل بی سابقه تشدید شده است. مردم تسلیم نشده و روزانه با حرکت‌های اعتراضی خود رژیم را به چالش می کشند. ابعاد حرکت‌های ا فشار گوناگون مردم آن چنان گسترده شده که کارگزاران امنیتی و انتظامی رژیم بدان اعتراف می کنند. به موازات پایداری جنبش انقلابی شهریور، صف بندی و رودررویی باندهای شریک در قدرت و ثروت، مستقل از تصمیم و اراده سران، به طور ناگزیر روز به روز تشدید می شود و آن چه در این جدال به خوبی عیان است، ضعف و درماندگی خامنه ای برای مهار این کشاکش‌های فرساینده است.

شعبده ای به نام انتخابات

ولایت خامنه ای در نقش پدرخوانده و بانک دستجات بُنیادگرا، جمهوری اسلامی را به قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی تبدیل کرده است. صدور ترور و ارتجاع، جنگ افروزی و آشوبگری در خارج از مرزهای کشور از طریق

نیروهای موسوم به «محور مقاومت» و البته یکدست سازی و در تکامل جبری آن «خالص سازی» و در پیشاپیش همه آنها سرکوب بی محابا در داخل کشور، راهبرد ولی فقیه برای مهار جنبش انقلابی و جلوگیری از برآمد توده ای است. در چنین شرایط خامنه ای در تدارک شعبده موسوم به انتخابات است.

ولی فقیه در چندین سخنرانی به وظیفه شرکت در انتخابات پرداخت و مخالفان این نمایش را به شدت تهدید کرد. دستور ولی فقیه در شرایطی است که اکثریت «اصلاح طلبان حکومتی»، جریان «اعتدال» و حتی افرادی که «غرق در ولایت» بودند و برای رقابت ثبت نام کرده بودند، از جانب شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

مضحکه خامنه ای و شورای نگهبانش آنچنان بالا گرفته که رئیس شورای وحدت اصولگرایان در استان تهران می گوید: «یکی از کاندیداهای ما چند دوره مسئول دفتر شورای نگهبان بوده؛ چطور می شود صلاحیت او برای هیات نظارت احراز نشده باشد؟» کارگزاران نظام پنهان نمی کنند که شرکت در این شعبده به سود ولی فقیه است. عباس کعبی، نائب رئیس «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» می گوید: «شرکت در انتخابات سبب تقویت رهبری [بخوانید استبداد مذهبی] می شود.» بسیاری رسانه های حکومتی نیز در باره عدم استقبال جامعه از این نمایش مضحک خبر، گزارش و تحلیل منتشر کرده اند. از همین رو ولی فقیه از آن چه گرد پروژه اش می گذرد به شدت نگران است و «دلواپسان» و «غرق شدگان» در ولایت را دوره انداخته تا تنور این شعبده را با صحنه سازی و هیزم کشی تبلیغاتی گرم کنند.

بر همگان روشن است که انتخابات سالم، دمکراتیک و رقابتی در نظام ولایت فقیه وجود نداشته و ندارد. از این رو سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دوازدهمین دوره شعبده بازی موسوم به «انتخابات» ارتجاع را تحریم کرده و هر گونه تبلیغ و هر شکلی از شرکت در این نمایش رسوا را علیه منافع مردم ایران می داند.

زنان و مردان ایران زمین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز پنجاه و چهارمین سال حیات خود، یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی پنجاه و سه سال پیش در پیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواسته های ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان انقلاب ژینا به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

ما به پایداری خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم.

ما از مبارزه زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دولت از دین مبارزه می کنند، از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسیتی و مقاومت بی نظیر آنان علیه حجاب اجباری و از

مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای برچیدن تبعیض مذهبی حمایت و پشتیبانی می کنیم.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. «نان، کار و آزادی» خواست عمومی مردم ایران به ویژه تهیدستان و فرودستان است. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما از اعتراضات صنفی و سیاسی دانشجویان کشور علیه پولی سازی آموزش، حذف امتیازات اندک آموزشی و پادگان کردن دانشگاه حمایت می کنیم و خواهان برآورده شدن تمامی خواسته های آنها هستیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی و عقیدتی حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول مبارزه و قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند و از این رو کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«زنده باد انقلاب دموکراتیک مردم ایران»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ - ۳ فوریه ۲۰۲۴